

انتخاب عقلانی در سایه نشاط سیاسی نگاهی به عوامل رقابتی شدن انتخابات

مجید نجفی

اشاره:

نظام جمهوری اسلامی به واقع یک نظام مردم‌سالار است. از آنجایی که امر به معروف و نهی از منکر بر همه افراد جامعه واجب است، تحقق این امر که مردم به این تکلیف خود عمل کنند، نیازمند ساختارمندی و روشمندی است که یکی از آن مسیرها انتخابات است. از همین‌رو در مردم‌سالاری دینی، مردم پایه اساسی هستند و بر اساس خواست آنان، جامعه اداره شده و شایسته سالاری است. در نظام مردم‌سالار چرخش قدرت و اداره کشور بر اساس آرا و خواست مردم اتفاق می‌افتد و از همین‌رو حضور و مشارکت مردم لازم و ضروری است. انتخابات خود منجر به ایجاد نشاط سیاسی می‌شود یعنی افراد و احزاب و گروه‌هایی که احساس می‌کنند جامعه اینگونه بهتر اداره می‌شود، در یک فضای سیاسی پر نشاط و پرقابلیت، گفتگو کرده و با اعلام برنامه‌های خود، افکار عمومی را به خود جلب می‌کنند تا بتوانند کرسی‌های قدرت را به دست گرفته و بر اساس برنامه مدنظر خود، کشور را اداره کنند. از همین‌رو رقابت انتخاباتی و تضارب آراء اهمیت می‌یابد و منجر به رشد و تعالی جامعه می‌شود.

عوامل رقابتی شدن انتخابات

انتخابات رقابتی و سالم زمانی رخ می‌دهد که افرادی که قصد همراه کردن افکار عمومی با خود برای کسب قدرت و نحوه اداره کشور را دارند، فضایی عقلانی و به دور از فریب را در جامعه ایجاد کنند یعنی قصد فریب جامعه نداشته باشند و از اقدامات پوپولیستی پرهیز کنند؛ کاری نکنند که جامعه، قدرت تشخیص درست از غلط را از دست بدهد. کما اینکه انبیای عظام همواره عقل‌ها را تقویت کردند تا قدرت تشخیص بالا برود. حال اگر بیایم رقابت‌های سیاسی را در ساختار مردم‌سالاری دینی با مردم‌سالاری غربی دارد مقایسه کنیم به سهولت درمی‌یابیم که در غرب، مهم کسب آرا است نه مردم یعنی به دنبال رشد اجتماعی نیستند.

رقابت سالم انتخاباتی، رقابتی است که قدرت انتخاب عقلانی را از مردم نگیرد. یعنی دقیقاً همان اقدامی که انبیاء در مقابل شیطان انجام می‌دادند. شیطان می‌گوید: «قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ» (ص ۸۲) دموکراسی غربی بر همین اساس بنا شده است. در عملیات فریب، که امروزه از آن به عنوان عملیات روانی و یا جنگ شناختی یاد می‌شود فضای رقابتی سالم و قدرت انتخاب صحیح از بین می‌برد. در عملیات فریب امر غیرواقعی، واقعی نشان داده می‌شود. به عنوان مثال حادثه قیامت، یک امر واقعی است. سؤال قبر، امری واقعی است اما شیطان در مقابل استدلال‌های عقلی، می‌گوید: چه کسی آن دنیا را دیده است؟ او خود می‌داند قیامت و بهشت و جهنمی هست، اما فریب می‌دهد.

در عرصه انتخابات، اعلام برنامه‌های غیرعملیاتی نوعی فریب است. مانند اینکه نامزد انتخاباتی به مردم بگوید: اگر به من رأی بدهید، در عرض یکسال هم بیکاری را حل می‌کنم، هم برای شما رشد اقتصادی ایجاد می‌کنم، هم با فساد مقابله می‌کنم، هم تورم را کنترل می‌کنم، هم جاده می‌سازم، هم دانشگاه می‌سازم و... یعنی اگر به من رأی دهید، همه مشکلات سریع حل می‌شود! گذشته از این، همه

اینها را بدون اینکه جامعه بخواهد

زحمتی را متحمل شود و هزینه‌ای پرداخت کند، حل می‌کنم! این یک دروغ بزرگ است چراکه اساساً چنین اقداماتی در عرض یکسال امکان پذیر نیست.

یا برای تخریب رقیب انتخاباتی گفته شود: اگر فلانی بیاید می‌خواهد وسط پیاده‌روها دیوار بکشد! این تخریب و آن فریب، فضای رقابت سالم را که قرار است در مردم‌سالاری دینی اتفاق افتد، از بین می‌برد. قرآن درباره فرعون از تعبیر «فَأَسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَاطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ» (زخرف ۵۴) استفاده می‌کند که او قصد داشت مردم را مستضعف فکری بار آورد. در عملیات روانی گفته می‌شود انسان‌ها جهل، میل و قوه خیال دارند؛ و شیطان می‌گوید تو می‌توانی انسان‌ها را با استفاده از همین سه عنصر، از مسیر اصلی که موجب سعادت آنان است دور کنی. وقتی چنین کاری در حوزه اجتماع اتفاق افتد، نشاط سیاسی تبدیل به رقابت ناسالم می‌شود و قوه انتخاب احسن را از انسان می‌گیرد. در مقابل این فریب، انبیاء انسان‌ها را به امور عقلانی دعوت می‌کنند و از همین رو می‌خواهند عقل‌ها را رشد دهند و به تعبیر امیرالمومنین (ع): «ویشروا لهم دفائن العقول». انبیاء می‌خواهند ایجاد تمایل قلبی کنند به امری واقعی (نه غیرواقعی) از طریق اقتناع عقلی. برخلاف باطل که می‌خواهد در جامعه ایجاد تمایل قلبی کند به امر غیر واقعی، آن هم از طریق توهم و تخیل و جهل و فریب، آنها انسان‌ها را گمراه می‌کنند. از طریق وعده وعیدهای دروغ و رفتارهای نمایشی و مغالطه یعنی عقلی نشان دادن مفاسد.

هدف وسیله را توجیه نمی‌کند. اینگونه کارها منجر به از بین رفتن نشاط انتخاباتی شده و در طول زمان منجر به ضربه زدن به مشارکت حداکثری خواهد شد.

پرهیز از رفتارهای ساختارشکنانه

یکی از دلالتی که مردم نسبت به انتخابات اشتیاق و نشاط نشان نمی‌دهند، رفتارهای ساختارشکنانه و هنجارشکنانه و نیز



یکی از دلالتی که مردم نسبت به انتخابات اشتیاق و نشاط نشان نمی‌دهند، رفتارهای ساختارشکنانه و هنجارشکنانه و نیز فریب کارانه است.



فریب کارانه است مثلاً می‌گویند دیگر از مسائل سیاسی خسته شده‌ایم! چون رفتارهای فریبکارانه، نشاط را از ما گرفته است. شاید وعده‌های دروغ به طور موقت یک هیجانی ایجاد کند اما در دراز مدت آسیب می‌رساند و در نهایت نشاط و انگیزه حضور سیاسی را از جامعه می‌گیرد چراکه وقتی به این وعده‌ها عمل نشود، موجب دلسردی می‌شود.

باید به جای این وعده‌های فریبکارانه، برنامه‌های دقیق کارشناسی داد. گاه برنامه‌ها هم واقعی نیست مانند اینکه در موضوع هسته‌ای بگوییم: اگر در مقابل غربی‌ها کوتاه بیاییم، همه مشکلات ما حل می‌شود! در حالی که این سخن بسیار غیرواقعی است.

آنچه مقام معظم رهبری تحت عنوان انتخابات سالم و رقابتی می‌خواهند و مطرح می‌کنند این است که احاد جامعه، انتخاب کنندگان و انتخاب شونده‌گان، فضای جامعه را با دعوت به موضوعات و برنامه‌های عقلانی که قابلیت اجرا دارند، به یک انتخابات رقابتی همراه با نشاط سیاسی تبدیل نمایند. به‌طور مثال می‌توان گفت مردم، امروز اگر مثلاً نرخ تورم ۵۰ درصد است، اگر رأی بیاورم تلاش می‌کنم از این راه‌ها و با این برنامه، این نرخ را به ۴۰ درصد برسانم. جامعه وقتی این برنامه منطقی را ببیند و بعد هم رای بدهد و طی دو سه سال اجرا شود، نشاط پیدا می‌کند. اما اگر بگوییم من ارزش پول را به روز نخست بازمی‌گردانم! سخن زیبایی است اما شدنی نیست چرا که مثلاً لاقبل به یک برنامه بیست ساله لازم دارد.

در فضای رقابت باید برای فهم و شعور مردم احترام قائل شد. باید برای انتخاب عقلانی مردم احترام قائل شد و اجازه داد تا مردم انتخاب عقلانی داشته باشند. اصولاً فلسفه مردم‌سالاری دینی در حکومت اسلامی مبتنی بر رشد عقلانی مردم است. در واقع با نوع انتخاب خود رشد پیدا می‌کند و کشور هم به درستی اداره شده

و رشد سیاسی و نشاط سیاسی پدید می‌آید. افراد احساس می‌کنند آراشان واقعاً در زندگی آنها مؤثر است و تفاوت انتخاب‌ها را متوجه شده و فهم می‌کنند. این امر مشروط بر این است که رقابت سالم و متدینانه باشد. دین ما را دعوت به تفکر و تعقل و تقوا می‌کند. باید فضایی را ایجاد کرد که جامعه بتواند انتخاب عقلانی داشته باشد. در این صورت است که انتخابات سالم و رقابت سالم رقم می‌خورد. در غیر این صورت انتخابات، آسیب‌پذیر شده و اعتماد مردم از دست می‌رود و از صندوق‌های رأی رویگردان می‌شوند.

از جمله موضوعاتی که در سلامت انتخاباتی بسیار مؤثر است، «شورای نگهبان» است چرا که شورای نگهبان نهاد قانونی است که تا حدودی موظف به حفظ سلامت جو انتخاباتی است. در کجای دنیا مجتهدان و حقوقدانان با شرط علم و عدالت می‌نشینند تا با مشورت یکدیگر گزارش‌های نهادهای امنیتی در مورد افراد کاندیدا را بررسی کنند و ببینند اصولاً چنین افرادی شایسته حدقلی قرار گرفتن در جایگاه نمایندگی را دارند یا خیر و یا اساساً مدارکی که نهادهای امنیتی ارائه می‌کنند قابل اعتنا هستند یا نه؟

این امر موجب اطمینان بیشتر برای رقابت صحیح می‌شود. در واقع برخلاف عملیات روانی دشمن در نشان دادن چهره متفاوت از شورای نگهبان، باید گفت اتفاقاً این نهاد مانع نفوذ و ورود افرادی می‌شود که دچار فساد اخلاقی و مالی هستند. یا از جنبه علمی و رتبه علمی توانمندی دارد یا ندارد. وقتی احراز شد، مردم با خیال راحت انتخاب می‌کنند. عمده این است که این نهاد برای مردم ایجاد فرصت می‌کند برای انتخاب عقلانی و از سوی دیگر نظارت می‌کند بر حفاظت از رأی مردم که مبادا حق کسی در این میان ضایع شود. لذا یکی از عناصری که در نظام سیاسی برای حفظ سلامت انتخاباتی بسیار مؤثر است شورای نگهبان است. که می‌بایست از سوی نخبگان و افکار عمومی مورد حمایت قرار گیرد. شاید به دلیل همین جایگاه مهم باشد که دشمنان اسلام و انقلاب و مردم ایران و محور مقاومت تلاش دارند چهره این نهاد را تخریب کنند.



در فضای رقابت باید برای فهم و شعور مردم احترام قائل شد. باید برای انتخاب عقلانی مردم احترام قائل شد و اجازه داد تا مردم انتخاب عقلانی داشته باشند.